

تحلیل رمان «سمفونی مردگان» بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

مهرنوش منصوری میمندی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۲، صص ۱۶۵-۱۴۳
<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7905>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: پس از استقلال زبان از علوم دیگر چون ادبیات، و شکلگیری علمی جدید با نام زبان‌شناسی، تحلیل صورتهای مختلف کاربرد زبان در حیطه‌های گوناگون علوم انسانی نیز اهمیت ویژه‌ای به خود گرفت. از سوی دیگر مکتب مارکسیسم که منادی ساختن جامعه‌ای برابر بود بر افکار اکثر اندیشمندان علوم انسانی در قرن بیستم سایه انداخت. ترکیب زبان‌شناسی و مارکسیسم، زبان‌شناسی انتقادی را به وجود آورد که در ساحتی فراختر، تحلیل گفتمان انتقادی نامیده میشود و از رابطه متقابل زبان، سلطه، ایدئولوژی و جامعه سخن میگوید. فرکلاف با ابداع این روش تحلیل گفتمان تلاش کرد هرچه دقیقتر نسبت میان اضلاع این مربع را تبیین نماید. پژوهش حاضر تلاش دارد با هدف تبیین مناسبات میان این اضلاع چهارگانه به این پرسش پاسخ دهد که در رمان سمفونی مردگان هر یک از این اضلاع چه نسبتی با دیگری دارند و چگونه ترکیب این نسبت‌ها روایت را به پیش میبرد.

روش مطالعه: این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌های آن بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای فراهم شده است.

تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

عباس معروفی، سمفونی مردگان،
گفتمان انتقادی، فرکلاف.

* نویسنده مسئول:
✉ mehrnoosh.mansoori@cfu.ac.ir
☎ ۸۷۷۵۱۰۰۰ (۲۱ ۹۸+)

یافته‌ها: در رمان «سمفونی مردگان» گفتمان‌هایی به عنوان کلان روایت و گفتمان‌هایی به عنوان خرده روایت یا اقلیت حضور دارند که همگی بر هم تأثیرگذار و از هم تأثیرپذیرند. زبان به عنوان ابزار تعبیر ایدئولوژی و ارتباط گفتمانها میتواند به شکل مختلف، نوع روابط میان آنها را شکل دهد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که زبان میتواند به عنوان محور اصلی هم بازتاب‌دهنده سلطه، هم ایدئولوژی و هم گفتمانهای متعدد جامعه باشد و به عنوان مفصلی این سه ضلع را به هم ارتباط دهد. همچنین در این رمان نویسنده توانسته است با بکارگیری ابزارهای زبانی همچون انتخاب واژگان و نامهای مناسب، استفاده بجا از تشبیه و کنایه، کاربرد متناسب وجهیت و وجه افعال، سلطه‌گری را در داستان انعکاس داده، و همین مسأله را به عنوان ایدئولوژی مورد نقد تعریف کرده و گفتمان منتقد آن را هم از دل همان جامعه بیرون کشیده و روابط میان آنها را در بستر جامعه تبیین نماید.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the novel "Symphony of the Dead" based on Fairclough's critical discourse analysis method

M. Mansoori Maimandi

Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 March 2025

Reviewed: 09 April 2025

Revised: 25 April 2025

Accepted: 09 June 2025

KEYWORDS

Abbas Maroufi, Symphony of the Dead, Critical Discourse, Fairclough.

*Corresponding Author

✉ mehrnoosh.mansoori@cfu.ac.ir

☎ (+98 21) 87751000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: After the independence of language from other sciences such as literature, and the formation of a new science called linguistics, the analysis of different forms of language use in various fields of humanities also took on special importance. On the other hand, the school of Marxism, which was a harbinger of building an equal society, overshadowed the thoughts of most humanities thinkers in the twentieth century. The combination of linguistics and Marxism created critical linguistics, which in a broader sense is called critical discourse analysis and speaks of the mutual relationship between language, domination, ideology and society. By inventing this method of discourse analysis, Fairclough tried to explain the relationship between the sides of this square as precisely as possible. The present study attempts to answer the question of what relationship each of these sides has with the other in the novel Symphony of the Dead and how the combination of these relationships advances the narrative.

METHODOLOGY: This research was conducted based on descriptive-analytical method and its data was provided based on library studies.

FINDINGS: In the novel "Symphony of the Dead", there are discourses as a macro-narrative and discourses as a micro-narrative or minority, all of which influence and are influenced by each other. Language as a tool for interpreting ideology and communicating discourses can shape the type of relationships between them in different ways.

CONCLUSION: The results of this research show that language can be the main axis reflecting both domination, ideology and multiple discourses of society and as a joint connecting these three sides. Also, in this novel, the author has been able to reflect domination in the story by using linguistic tools such as choosing appropriate words and names, using similes and metaphors appropriately, and using appropriate forms and tenses of verbs. He has defined this issue as the ideology being criticized, and has drawn its critical discourse from within the same society, and has explained the relationships between them in the context of society.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7905>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 29	 0	 0

مقدمه

زبان نه فقط به عنوان ابزاری برای ارتباط بلکه به عنوان ابزاری دارای کارکرد اجتماعی است؛ این عقیده درباره زبان، زمانی مطرح شد که زبان‌شناسان دریافتند این زبان است که به عنوان ابزار ارتباطی، لایه‌های درهم‌پیچیده جامعه را شکل می‌دهد. نگاه پراگماتیستی به زبان که با تلاش‌های لودویگ ویتگنشتاین تئوریزه شد، آن را به ساحت‌های جدیدی از زندگی انسان وارد کرد. از سوی دیگر بررسی روابط بین سلطه و جامعه در علم جامعه‌شناسی متضمن آن است که ابزار ارتباط‌دهنده این دو نهاد و سازوکارهای عملی آن تبیین گردد. ایدئولوژی به عنوان محتوای زبان همواره حضور خود را در هر جا که زبان باشد، اعلام می‌دارد و در نتیجه آنچه که زبان را به حرکت درمی‌آورد و بدان سمت و سو می‌بخشد ایدئولوژی است. نگاه مارکسیستی به مسأله رابطه بین سلطه و جامعه، و کارکرد ایدئولوژی در اینباره، سبب شد زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان به دنبال ظرفی که حامل ایدئولوژی از ساختاری به ساختار دیگر است، باشند؛ این ظرف، زبان بود؛ در این نگاه، دیگر زبان صرفاً مجموعه‌ای از معادلات منطقی برای برقراری ارتباط نیست بلکه هر متن، حامل ایدئولوژی‌هایی است که روابط اجتماعی را شکل می‌دهند. از مهم‌ترین افرادی که بر این نقش زبان تأکید دارد نورمن فرکلاف است. فرکلاف که زبان‌شناس است اولین کتاب خود را با عنوان «زبان و قدرت» در سال ۱۹۸۹ وارد بازار نشر می‌کند و در آن به سازوکارهای زبانی شکل‌دهنده به قدرت می‌پردازد. ادبیات به عنوان محملی برای انتقال ایدئولوژی همواره به قدرت و شکل منفی آن یعنی سلطه توجه دارد چراکه ادبیات یعنی جامعه، و جامعه یعنی سازوکارهای قدرت. لذا یکی از معماهای متن ادبی کشف همین روابط قدرت است که زبان آن‌ها را می‌سازد. دیگر خصوصیت متن ادبی آن است که در لفافه سخن می‌گوید؛ هرچه متن وجوه معنایی بیشتری داشته باشد و بتواند برداشتهای بیشتری را بر خود بار کند، ادبیت‌تر است. نماد و استعاره این ویژگی را در متن تقویت می‌کنند. این خاصیت در ادبیات پس از مشروطه تقویت می‌شود و داستانهای کوتاه و رمانهای تألیف شده، به سبب خفقان موجود، سرشار از نمادها و استعاره‌هایی هستند که به شکل خاص، مسائل اجتماعی را مطرح و آن‌ها را نقد می‌کنند. رمان «سمفونی مردگان» نیز رمانی نمادین است که به نقد جامعه ایران در دوره زمانی ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ می‌پردازد، و خفقان و استبداد جامعه را در قالب روابط بین اعضای خانواده به تصویر می‌کشد. پژوهش حاضر تلاش دارد با واکاوی لایه‌های زبانی این متن، به تحلیل روابط قدرت بپردازد و نشان دهد که گفتمانهای متعدد موجود در این متن چگونه با ابزار زبان به یکدیگر متصل میشوند.

اهمیت و ضرورت

هنر و ادبیات همواره برای رشد خود به فضایی باز نیاز دارند که پذیرای نگاه‌های متعدد باشد. اگر چنین فضایی در جامعه وجود داشته باشد مطمئناً از میزان سلطه منفی کاسته شده و روابط بین گفتمانهای مختلف با قدرت، ناشی از فهم متقابل خواهد بود و در نتیجه جامعه به سمت همگرایی پیش می‌رود. رمان «سمفونی مردگان» خانواده‌ای را نشان می‌دهد که این روابط قدرت در آن تعدیل نشده و در نتیجه به سمت تباهی پیش می‌رود. در روش تحلیل گفتمان انتقادی، ابزار تحلیل این روابط زبان است و لذا نشان می‌دهد که چطور زبان این روابط را شکل می‌دهد و آن‌ها را به پیش می‌برد.

روش تحقیق

الگوی تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف شامل مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌هایی است که میتوان با بکارگیری آنها جنبه‌های مختلف ارتباط بین زبان و ایدئولوژی را کاوید. این الگو شامل سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین است که در بخش

توصیف طبق قواعد زبان‌شناسی تنها به زبان متن پرداخته میشود و در بخش تفسیر و تبیین روابط بین این مؤلفه‌های زبانی با گفتمان و ایدئولوژی تبیین میگردد. برای هر یک از این مؤلفه‌ها متناسب با موضوع، شواهدی از متن رمان «سمفونی مردگان» انتخاب و آورده شده است.

پیشینه تحقیق

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به سبب جامعیت و روشمندی مورد توجه پژوهشگران بسیاری در حیطه نقد ادبی قرار گرفته که در اینجا به جدیدترین نمونه‌های این دست پژوهشها اشاره میشود:

ملکشاهی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «جمشید و پرومته؛ تحلیل و واکاوی اسطوره جمشید در شاهنامه فردوسی و اسطوره پرومتهوس از هسیودوس بروش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» بیان میکنند اسطوره جمشید در شاهنامه و داستان پرومته در اساطیر یونان از جمله دو داستان اساطیری هستند که با بنمایه‌های مشترک فراوان گفتمان غالب از نبرد نیکی و بدی، دور شدن از فرّه ایزدی و تلاش برای موازنه قدرت را نشان میدهند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سطح توصیف عوامل انسجام واژگانی (تکرار)، تضاد و هم‌معنایی، تناسب و انسجام دستوری در هر دو داستان مورد توجه قرار درفته است. در سطح تفسیر بر اساس اصل بینامتنیت، هر دو داستان دارای ریشه‌ها و بنمایه‌های مشترک معنایی هستند و در سطح تبیین، داستان جمشید و پرومته انعکاسی از ساختار اجتماعی عصر اساطیری و کهن است.

یحیی‌زاده و کاظمی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی مولانا و سنایی با رویکرد فرکلاف» بیان میدارند که یکی از ابزارهایی که کارآیی لازم را در تحلیلهای کلان اجتماعی - فرهنگی ایفا میکنند، نظامهای دیالکتیکی هستند. با کمک نظامهای دیالکتیکی همچون برجسته‌سازی در تقابل با حاشیه‌رانی، روایت در مقابل فرا روایت میتوان به تحلیلهای کلان اجتماعی نهفته در متون ادبی پرداخت. و چنین نتیجه‌گیری میکنند که در راستای چنین تحلیلی میتوان کلام مولانا و سنایی را از اشعار این دو شاعر با رویکردی در تحلیل گفتمان انتقادی در نگاه فرکلاف مورد بحث قرار داده و سازوکارهایی ارائه داد که تحقق نظامهای دیالکتیکی در اشعار مولانا و سنایی تابع آنها هستند.

حبیبیان و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی تبلور آزادی در اشعار خلیل‌الله خلیلی و احمد شوقی بر اساس نظریه فرکلاف» بیان میکنند که خلیل‌الله خلیلی و احمد شوقی برای آزادی میهن خود با سلاح شعر به مقابله با استعمارگران برخاسته و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. و چنین نتیجه‌گیری میکنند که دو شاعر برای بیان هدف خویش، با پرهیز از پیچیدگیهای کلامی از واژگانی ساده و روشن بهره برده‌اند. گفتمانهای فعال در این اشعار، گفتمان میهنی، مبارزان و شهیدان، زنانه و متقابل است. واژگان و تعابیر به‌کار رفته در این اشعار، دارای بار ایدئولوژیک است. دو شاعر از این طریق سعی کرده‌اند در راستای بصیرت‌افزایی هموطنان، بیداری جامعه، تقویت حس مبارزه با استعمارگران در بین مردم و بیان اهمیت و جایگاه آزادی گامهای اثرگذاری بردارند. گفتمان اشعار دو شاعر، بیان‌کننده تلاش آن دو برای سهیم شدن در مبارزه با استعمار است.

دسترنج و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطور تاریخی گفتمان جنگ در انقلاب اسلامی بر اساس الگوی نورمن فرکلاف» از جمله مفاهیم مهم در ادبیات سیاسی و اجتماعی جوامع، را مفهوم جنگ میدانند و چنین نتیجه‌گیری میکنند که وقوع انقلاب اسلامی به باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی تازه‌ای منجر شد و برخی از حوزه‌های معنایی را در مناسبات جهانی قدرت را تغییر داد. محوریت نظام و ساختار تازه‌ای که در ایران رقم

خورد، تشکیل حکومت دینی است. این امر سبب بروز تحولات بنیادین از جمله به وجود آمدن یک رقیب ایدئولوژیک در سطح مناسبات جهانی قدرت شد. با به وجود آمدن چنین شرایطی، نظامهای سیاسی-اجتماعی و ساختارهای قدرت باز تعریف شده و صورتی جدید مییابند.

نیکفر و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل انتقادی گفتمان مهاجرت در رمان «ساعه بغداد» از شهید الراوی بر پایه نظریه نورمن فرکلاف» بیان میدارند که شهید الراوی، نویسنده جوان و تازه کار عراقی، دو اثر مهم خود را در دهه دوم قرن بیست و یکم به نگارش درآورده است و اثر نخست او به نام «ساعه بغداد» (ساعت بغداد) تحسین ناقدان و مخاطبان زیادی را برانگیخته است. طبیعی است که کشف گفتمانها و عوامل تشکیل دهنده آن در یک اثر، از جهت جامعه‌شناسی و ادبی از ضرورت و اهمیت فراوانی برخوردار است. نتیجه تحقیق نشان میدهد که نویسنده بسیاری از عناصر زبانی و ساختاری اثر را در ذیل تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی ناگوار جنگ، محاصره و اشغال به کار برده است و در صدد توجیه و عادی جلوه دادن گفتمان مهاجرت است که گفتمانی برگزیده و زاییده شرایط اجتماعی کارگزاران سیاسی است.

رحیمیان (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان رمان لم‌یزرع براساس رویکرد فرکلاف» بیان میدارد که نویسنده رمان لم‌یزرع با بازنمایی تحولات ناشی از هژمونی گفتمان اعتدال در سطوح سیاسی- اجتماعی- فرهنگی جامعه ایران در دهه نود به‌ویژه تغییر در مرکز ثقل فرهنگی جامعه، در صدد انتقاد از نظام معنایی مسلط بر دوران جنگ و تضعیف روابط قدرت موجود در لایه‌های ساختار اجتماعی این دوره برآمده است. در این میان، مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در گفتمان لم‌یزرع برجسته‌سازی شده و دیگر مؤلفه‌ها به حول آن مفصل‌بندی شده، اجتناب از ایدئولوژیهای متعصبانه است که در هر شکل و در هر سطحی زاینده تنش و جنگ شناخته شده‌اند.

امینی شلمزاری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی قدرت در خسرو و شیرین نظامی» بیان میدارند که قصد دارند با کاربست الگوی سه بعدی فرکلاف، مؤلفه قدرت در منظومه خسرو و شیرین نظامی تحلیل و نمودهای زبانی آن را از این منظر تبیین نمایند. و نتیجه میگیرند که کاربرد متفاوت الفاظ، استفاده از وجه‌های مختلف زبانی و دستوری، تفاوت شیوه‌های اقناعی، دیدگاه متفاوت شخصیت‌های داستان نسبت به یکدیگر و صراحت و پوشیدگی در گفتار مستقیماً به تفاوت نقش قدرت نابرابر در منظومه خسرو و شیرین نظامی بستگی دارد.

همچنین درباره رمان «سمفونی مردگان» که به علت ابتکارات نویسنده در طرح و ساختار داستان از محبوبترین رمانهای معاصر ایران به شمار میرود، نیز مقالاتی به رشته تألیف درآمده که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

حسینی زکریا و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «نقد کهن الگویی سفر قهرمان و موانع تشرّف وی در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی» بیان میدارند که بر اساس نظریه کهن الگویی سفر قهرمان، سفر قهرمان بمنظور رسیدن به فردیت، کمال و بلوغ با تکیه بر حضور آرکی تایپها در زندگی هر فردی میسر میگردد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در رمان سمفونی مردگان بدلیل رویکرد روانشناختی موجود در بنمایه این رمان، حضور کهن الگوی سایه و آنیما در مسیر تشرّف قهرمان بشکل قابل توجهی مشخص میباشد. نتایج پژوهش: نتایج پژوهش در این مقاله نشان میدهد که آیدین، قهرمان اصلی داستان در مسیر تشرّف و تعالی خود با کهن الگوی سایه یعنی پدر و اورهان مواجه است و گرچه توانست برخلاف نظر پدر مسیر درس و تحصیل را در پیش بگیرد، اما سرانجام با مرگ خواهر (آنیمای وجودی) از ادامه مسیر باز میماند.

رفاهی و ایرانزاده (۱۴۰۳) در مقاله «کارکرد فضاهای معماری در روایت پردازی رمان سمفونی مردگان» بیان میدارند

که در راستای مطالعات بین‌رشته‌ای به دنبال واکاوی پیوند میان معماری و ادبیات داستانی در سمفونی مردگان و نقش بناها و عناصر معماری در شکل دادن به ساختار این رمان‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بناهای معماری مانند کاروانسرا، قهوه‌خانه، خانه و فضاهایی چون آشپزخانه، انباری و عناصری چون آستانه و پنجره نقش کلیدی در این رمان ایفا می‌کنند و نویسنده با یاری جستن از ویژگیهای منحصر به فرد آنها از منظر شیوه‌های مختلف سکونت و نیز دلالت‌های ضمنیشان مفاهیم موردنظر خود را شرح می‌دهد. خانه، قهوه‌خانه و کاروانسرا در این داستان ادامه شخصیتها هستند و هویت شخصیتها با این مکانها تکمیل میشود. خانه برابر با پدر، قهوه‌خانه برابر با آیدین و کاروانسرا برابر با اورهان است. شخصیت آیدا نیز به کمک جزء فضای آشپزخانه و فضای آستانه‌ای، که مبین مفاهیم خاصی در معماری است، توصیف میشود.

آقاجانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل بینامتنی سمفونی مردگان و مرگ فروشنده؛ بر اساس نظریه ژولیا کریستوا» بیان میدارند که بر پایه نظریه کریستوا، بینامتنیت عمدتاً شیوه‌ای است که نشان می‌دهد هر متنی بر پایه متنها پیش از خود شکل گرفته است و بر اساس این شیوه، بعضی مقالات و تحقیقات پیشین، رمان سمفونی مردگان را بازتابی از رمان خشم و هیاهو یا رمان باری دیگر شهری که دوست داشتم دانسته‌اند. و چنین نتیجه می‌گیرند که مطابق تشابهات تاریخی، و تجربه مشترک ملل مختلف در وقایع تاریخی، به جرأت میتوان گفت سمفونی مردگان نمونه‌ای ایرانی شده از نمایشنامه مرگ فروشنده اثر آرتور میلر است که نویسنده مطابق وقایع آن زمان و به سبب اشتراکات تاریخی ملل مختلف توانسته اثری همسان با نمایشنامه آرتور میلر پدید آورد.

محمدی و علاقی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی تطبیقی بازنمایی استعمار در رمان‌های «الصبار» و «سمفونی مردگان»» معتقدند که مردم خاورمیانه - از جمله مردم ایران و فلسطین - در قرن بیستم با جریان مدرنیته روبرو شدند. آنها در این تقابل، وضعیت نسبتاً همسانی داشتند؛ چراکه از یک‌سو، وارث سنت‌هایی سخت‌تنیده و کهن - چون پدرسالاری - بودند و از سوی دیگر با جریانی عصیانگر روبرو شدند که همه چیز را در خود میبلعید و میبرد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که در هر دو داستان، سنت پدرسالاری، چون عنصری همگام با استعمار و استبداد به تصویر کشیده شده است. نویسندگان دو داستان، نظام سرمایه‌داری را دنباله استعمار دانسته‌اند و تجربه‌های همسانی را از استثمارگریهای این نظام در خاورمیانه، روایت کرده‌اند. در هر دو داستان، قهرمان، جوانی شاعر است که با یاری دیگر شخصیت‌ها - خاصه، زنان - در برابر استبداد و استعمار می‌ایستد.

پاسبان وطن و حیدری (۱۴۰۱) در مقاله «روایت‌شناسی «سمفونی مردگان» عباس معروفی بر اساس نظریه سیمپسون» به تحلیل روایی این رمان پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرند که که راوی میان اول‌شخص و سوم‌شخص در تغییر است که هرکدام در پیشبرد روایت تأثیر داشته است. وجهیت غالب در متن داستان بر اساس تقسیم‌بندیهای سیمپسون، مثبت است که نشان از تعهد و اعتماد به نفس راوی درباره ماجراهای داستان و دیدگاه قاطع او در مورد جهل و تعصب در تقابل با روشنفکری و آگاهی است. نظام وجهی به‌کاررفته در رمان امری و التزامی است که با استفاده از فعلهای وجهی-واژگانی، کلمات احساسی مانند صفات و قیود ارزیابی‌کننده، افعال گزارشی که بیانگر افکار و کنشهاست و جملات تعمیم‌دهنده، آن را نشان داده است. البته در برخی قسمتهای داستان وجهیت منفی است که حاکی از تردید و دودلی شخصیتهای داستان است.

شیخلو و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شخصیتها، مفاهیم اساطیری و انواع آن در رمان «سمفونی مردگان»» به کاربرد عناصر و مضامین اسطوره‌ای - کهن‌الگویی در رمان سمفونی مردگان می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که معروفی برای درک رمان خود از اسطوره‌های مختلفی استفاده کرده است که آنها را میتوان به سه

دسته اساطیر شاهنامه‌ای (سیاوش، ایرج، بیژن و منیژه و...)، حیوانات اساطیری (ققنوس، کلاغ، گرگ، پروانه، ماهی) و مفاهیم اسطوره‌ای (آفرینش، دوگانه‌نگری، پالایش، ماندالا، گیاه‌پیکری و...) تقسیم کرد. نظر به گسترده و وسیع بودن این مفاهیم، در این پژوهش، تنها به مفاهیمی که در پژوهشهای دیگر، کمتر به آنها پرداخته شده است، توجه میشود.

با دقت در مقالات تألیف شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر مشخص شد که تاکنون پژوهشی با موضوع تحلیل رمان «سمفونی مردگان» بر پایه روش تحلیل انتقادی فرکلاف انجام نشده است، و لذا موضوعی جدید محسوب میشود.

مبانی تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی جدیدترین روش نقد ادبی است که با نگاهی میان‌رشته‌ای میکوشد تحلیل دقیق و جامعی از متن به دست دهد. این روش که خاستگاهی زبانشناسانه دارد قصد دارد زبان را از پدیده‌ای منفعل و تحت تأثیر عوامل دیگر به پدیده‌ای فعال و مرتبط با کارکرد اجتماعی تبدیل کند. این روش تحلیلی معتقد است زبان به همان میزان که از ساز و کارهای اجتماعی تأثیر میپذیرد بر آنها تأثیر هم میگذارد. زبانشناسان انتقادی این حرکت را جدایی از زبانشناسی توصیفی میدانستند که تنها به ساختارها و صورت متن توجه دارد و کارکردهای اجتماعی آن را مورد توجه قرار نمیدهد. آنان سه اصل مهم را مبنای کار خود قرار دادند:

زبانی که به کار میبریم «بیانگر دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت» است؛
 «تنوع در گونه‌های گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدایی‌ناپذیرند». از این رو، تنوع زبانی منعکس‌کننده تفاوت‌های اجتماعی ساختمان‌دهی است که این تنوع زبانی را ایجاد میکنند؛
 بکارگیری زبان فقط بازتاب فرایند و سازمان اجتماعی نیست، بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱).

از مهمترین علل پیدایش این جدایی توجه فوکو به عنوان یک جامعه‌شناس، به مسأله قدرت، و نسبت آن با گفتمان بود. گفتمان، از سویی هویتی زبانی و از سوی دیگر هویتی اجتماعی دارد و هر جامعه متشکل از گفتمانهای متعدد است. فوکو راه حل خروج جوامع از بحران را به رسمیت شناختن همه گفتمانها و واسازی مقوله قدرت در بین آنها میداند. همین نگاه فوکو به نسبت میان گفتمان، زبان و جامعه، زبانشناسان را به این توانایی بالقوه و نقش اثرگذار زبان در کارکردهای اجتماعی متوجه ساخت.

مهمترین مفاهیم تحلیل گفتمان انتقادی که در رابطه با زبان و جامعه مطرح میشوند عبارت‌اند از قدرت و ایدئولوژی که در ادامه به بررسی آنها پرداخته میشود.

الف. قدرت

با ظهور علم جامعه‌شناسی مفهوم قدرت نیز دچار تنوع مفهومی شد. نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی هر یک دیدگاهی متفاوت نسبت به این امر دارند. از جمله افرادی که در این باره نظریه متفاوتی دارد فوکو است. از نگاه فوکو قدرت منحصر به هیچ طبقه اجتماعی، طیف یا گروه خاصی نیست بلکه در کل جامعه پراکنده است: «قدرت... هرگز در جایی متمرکز نمیشود، هرگز در دست کسی قرار نمیگیرد و هرگز به عنوان کالا یا بخشی از دارایی به ضبط در نمی‌آید. قدرت به خدمت گرفته میشود و از طریق یک سازمان شبکه‌وار عمل میکند و نه تنها افراد در میان شبکه‌ها در رفت و آمد هستند، بلکه آنها همیشه در موقعیتی هستند که به طور همزمان قدرت را هم تحمل و هم اعمال میکنند» (فوکو، ۱۳۷۰: ۳۳۴).

اما فرکلاف با این تعریف فوکو از قدرت مخالف است و میگوید: «نگرانی من این است که این معنای [فوکویی] قدرت، جایگزین معنای قبلی و سنتی‌تر آن شود و موجب غافل شدن از نامتوازن بودگیهای قدرت و روابط سلطه گردد. یکی از اهداف مهم تحلیل انتقادی، حذف قدرت/سلطه در نظریه و عمل است. (Fairclough, 1995b, p.17).

بنابراین فرکلاف که تئورسین روش تحلیل گفتمان انتقادی است به سلطه و توزیع نامتوازن قدرت در جامعه اعتقد دارد و معتقد است که با ساز و کارهای زبانی میتوان این فرایند را تبیین کرد.

ب. ایدئولوژی

ایدئولوژی نیز به سان قدرت، تعاریف متعددی را به خود دیده است. مهمترین نوع برخورد با مفهوم ایدئولوژی را کارل مارکس واضح مکتب مارکسیسم داشت که آن را پدیده‌ای منفی تلقی میکند. از نگاه مارکس، ایدئولوژی یعنی اندیشه‌های طبقه حاکم؛ اندیشه‌هایی که طبیعتاً از نظام طبقاتی حمایت میکنند و استثمار را زنده نگه میدارند. به نظر وی، ایدئولوژی تضادهای اصلی جامعه را از چشم طبقات فرودست و استثمارشده پنهان میکند تا آنها از شناخت واقعیت استثمار خود باز بمانند و علیه طبقه حاکم قیام نکنند. اما با این وجود مارکسیستها به اهمیت ایدئولوژی در ساز و کار اجتماعی پی برده و افرادی چون گرامشی و آلتوسر با بازتعریف ایدئولوژی آن را با قدرتی بیشتر دوباره به ساحت نظریه‌های اجتماعی وارد کردند. آنچه که مطمح نظر فرکلاف از ایدئولوژی است همین تعریف است (فرکلاف، ۱۳۹۷: ۳۸). او درباره ایدئولوژی و نسبت آن با زبان میگوید: «ایدئولوژی پیوستگی نزدیکی با زبان دارد؛ استفاده از زبان معمولترین شکل رفتار اجتماعی است. همین جاست که روی مفروضات عقل سلیم تکیه میکنیم. اعمال قدرت در جوامع نوین، به طور روزافزونی از طریق ایدئولوژی به ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت میگیرد» (Fairclough, 1996, p.2).

به باور یورگنسن و فیلیپس رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش میکند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند: تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل دستور نقش‌گرای مایکل هلیدی)، تحلیل جامعه‌شناختی کلان‌کنش اجتماعی (شامل نظریه فوکو، که روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل متن در اختیارمان قرار نمیدهد)؛ و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل انتوتودولوژی و تحلیل گفت‌وگو) که بر اساس اینها زندگی روزمره فرآورده کنشهای اجتماعی افراد به شمار می‌آیند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۱۸). فرکلاف گفتمان را متشکل از سه عنصر متن، تعامل و بافت اجتماعی میداند و روش تحلیل خود را در سه مرحله توصیف متن، تفسیر رابطه بین متن و تعامل، و تبیین رابطه بین تعامل و بافت اجتماعی و یا به عبارتی سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، ساختاربندی میکند (Fairclough, 2000, p.168).

بحث و بررسی

سطح توصیف

سطح توصیف (بررسی متن) شامل تحلیل ویژگیهای زبانی (واژگانی، دستوری و انواع کنش‌های گفتاری) متن است. در این سطح بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، ساختار متن از لحاظ زبان‌شناسی و جدای از سایر متنها و شرایط اجتماعی مورد بررسی قرار میگیرد. «توصیف مرحله‌ای است که با ویژگیهای صوری متن همچون واژگان، دستور و ساختهای متنی سر و کار دارد و سعی در تحلیل این مؤلفه‌ها در متن بدون توجه عمیق به معنا دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱). اینکه واژگان کدام ارزش تجربی و رابطه‌ای را با هم دارند و ارتباط آنها از کدام روابط

معنایی (هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) است، جمله‌ها معلوم‌اند یا مجهول، مثبت هستند یا منفی (همان) در این بخش بررسی می‌گردد.

۱-گزینش واژگان

«سمفونی مردگان» رمانی نمادین است و لذا کلمات در آن بارهای معنایی بسیار زیادی دارند. از آنجا که نویسنده قصد دارد شمولیت زیادی به مضمون داستان خود بدهد آن را بینا فرهنگی کرده، و در همین راستا خواننده درمی‌یابد که تنها با یک مذهب یا قومیت روبه‌رو نیست بلکه قومیت‌های ترکی، آبدانی، ارمنی، دین اسلام و مسیحیت و از این دست در رمان دیده میشوند که همگی فاعلیت دارند. هر یک از این فرهنگها واژگان مخصوص به خود را دارند که نویسنده در جای جای داستان این اصطلاحات را آورده است. برخی از این واژگان اسامی مکان، برخی فرهنگی، برخی اشیاء و برخی هم اشخاص هستند. به عنوان مثال واژه‌های پاپاخ، قارداش، تندیر، کندی، تزول، سنه نه که از زبان ترکی و یا واژه‌های پوتشکا، و لاوا از زبان ارمنی است.

۱-دستور

الف-با هم آیی واژگانی

مسئله با هم آیی یا همان محور همنشینی کلمات در شکل دهی به مضمون روایت اهمیت فراوان دارد. از لحاظ طول جمله‌ها در رمان «سمفونی مردگان» دیده میشود که جملات اکثراً کوتاه هستند. این کوتاهی جملات بیانگر حالات روحی شخصیت‌هاست که اکثراً در نوعی اضطراب و اندوه به سر می‌برند. از سوی دیگر جملات بلند در مواقعی به کار می‌روند که فردی قصد قانع کردن فرد دیگر را داشته باشد و یا استدلال آوردن برای افراد اعتبار و ارزش داشته باشد؛ اما در این رمان ملاحظه میشود که شخصیت‌های سلطه‌گر به هیچ روی منتظر شنیدن عقاید یا استدلال‌های دیگر شخصیت‌ها نیستند و به شکل یکجانبه سخن گفته و تنها به تحکم و اعمال زور می‌پردازند. حتی در موارد بسیاری جملات نیمه‌تمام می‌ماند.

ب-وجه جمله

با توجه به اینکه در رمان «سمفونی مردگان» از تکنیک فلاش بک استفاده بسیاری شده و داستان هم سیر خطی ندارد، و از تکنیک جریان سیال ذهن بهره گرفته شده لذا فعلها دائماً بین ماضی و مضارع در جابه‌جایی هستند. اگرچه باز هم کاربرد فعل‌های ماضی بیش‌تر است چراکه غالب ماجراهای داستان به شکل یادآوری خاطرات است. کاربرد افعال مضارع در این رمان بیشتر به منزله مفصل‌هایی است که زمانهای ماضی را به هم پیوند میدهد.

ج-وجهیت

وجهیت عبارت است از سوگیری اعتقادی و عاطفی جملات. سیمپسون در الگوی خود وجهیت را به دو گرایش مثبت و منفی تقسیم میکند و چهار نوع اصلی آن را نظام وجهی امری (deontic)، نظام وجهی تمنایی (boulomaic)، نظام وجهی برداشتی یا شناختی (epistemic)، و نظام وجهی ادراکی (perception) می‌داند (Simpson, 1993: 53). بر این اساس نظام‌های وجهی امری و تمنایی در دسته مثبت و نظام‌های وجهی معرفت شناختی و ادراکی در دسته منفی جای می‌گیرند. در وجه امری از ابزارهای کلامی‌ای که بیانگر لزوم، منع، اجبار و یا بلا مانع بودن هستند استفاده میشود. در وجه تمنایی از افعالی مانند آرزو کردن، امیدوار بودن، و تأسف خوردن استفاده میشود. کاربرد این دو وجه مثبت حاکی از بسامد اعتماد به نفس، اطمینان، قاطعیت و خوش بینی در روایت است.

وجه برداشتی از احتمال یا قطعیت گزاره‌ها سخن میگوید که با کلماتی چون قطعاً، احتمالاً باید و شاید بیان میشود. در وجه ادراکی نیز گوینده بر اساس ادراک دیداری خود نسبت به گزاره‌ای اطمینان می‌یابد و با کلماتی نظیر واضح است و به نظر میرسد و مشهود است آن را بیان میکند. کاربرد این دو وجه منفی حاکی از بسامد تردید، بیگانگی، سرگشتگی، عدم قطعیت و عدم اطمینان نسبت به اطلاعاتی است که در اختیار مخاطب قرار میگیرد.

وجهیت امری

در رمان «سمفونی مردگان» از آنجا که پدر خانواده مردی مستبد است و دائماً به دیگر اعضای خانواده امر و نهی میکند لذا وجه امری در سخنان او بیش از بقیه مشهود است. همچنین ایاز که نماینده نیروی نظامی و خشونت و سرکوبگری است از این افعال استفاده میکند:

- پدر غرید: «نماز فدای رقاصی‌های تو» صداس مثل شلاق سرد بود. گفت: وضو بگیر، یک سوره هم قرآن بخوانید» (معروفی، ۱۳۸۸: ۳۶).

- پدر گفت: «جارو کن بحث نکن» (همان: ۳۹)

- ایاز: «قال قضیه را بکن» (همان: ۱۰)

- گفتم حرف زیاد زن. راه بیفت و گرنه میزنم (همان: ۴۶)

- پدر گفت: «با من بحث نکن» (همان: ۸۳)

- پدر گفت: «اگر میخواهی درس بخوانی حق نداری پایت را در حجره بگذاری» (همان: ۱۲۷)

وجهیت تمنایی

- اورهان نمیدانست چه کند، مردد بود، گفت: «تف سربالا نباشد؟» (همان: ۱۰)

- گفتم تو را چه به دخترهای ارمنی (همان: ۲۸)

- میگفت: «آدم حظ میکند!» (همان: ۲۸)

- گفت: «مرضش روی زمین بماند. ورنخیزد» (همان: ۳۱)

- «ای کاش نمیکاشتم و ای کاش نمیزایدیش» (همان: ۸۷)

وجهیت برداشتی

- ساعت بغلی‌اش را درآورد، نگاهی بهش انداخت، درش را بست و در جیب گذاشت. هنوز مردد بود که برود یا نه؟ (همان: ۲۵)

- در تاریکی خودش هم کمتر زجر میکشید. کسی هم بویی نمیبرد. اما میشد برگشت؟ اگر میماند؟ نه. به موقع میرسید (همان: ۲۹)

- برای همین قسم خورد که هیچ اطلاعی از شیشیه عینک ندارد (همان: ۸۳)

- پدر حالتی معصومانه به خود گرفت، چشمه‌اش را تنگ کرد و با صدایی محزون گفت: «انگار بچه ما نیست، نه پول میگیرد نه نیازی دارد نه آدم را به حساب می‌آورد» (همان: ۸۷)

- پدر به خاطر آیدا خونس را کثیف نمیکرد و معتقد بود که دخترها باید خانه داری یاد بگیرند، بعدها که بچه دار شدند با عروسک واقعی سر و کار خواهند داشت (همان: ۸۵)

وجهیت ادراکی

- فکر کرد خواب میبیند (همان: ۲۰۵)

- در آشپزخانه تنها غذا میخورد تنها میخست تنها میپخت تنها میخوابید و کلفت غریبه‌ای را میمانست که مبتلا به جذام باشد. و هیچ کس نمیپرسید آیدا کجاست؟ (همان: ۹۰)

- دست‌هاش میلرزید. گفت: «این نیست آقای دکتر. باور کنید همین است ولی من مطمئنم که این نیست» (همان: ۲۶۵)

اگر با توجه به شخصیت‌های داستان از وجهیت سخن گفته شود باید گفت شخصیت پدر بیشتر وجه امری دارد چراکه شخصیتی مستبد است، شخصیت مادر از آنجا که کاری از دستش برنمی‌آید منفعل است و غالباً وجهیت تمنایی دارد. شخصیت اورهان شخصیتی ادراکی است چراکه تلاش دارد با استبداد و خشونت افکار خود را عملی کند اما همواره در درستی کارهای خودش تردید دارد و دائماً از خودش یا از ایاز میپرسد آیا میشود؟ و در تک‌گویی‌های درونی‌ای که با خود دارد نیز این امر مشهود است. آیدین وجهیت برداشتی دارد چراکه همواره با قطعیت عقاید خود را ابراز کرده و به درستی آنها اعتقاد دارد.

د-ضمایر

کاربرد ضمایر در رمان «سمفونی مردگان» هم از جهت دیالوگ‌پردازی و هم ساختن زاویه دید داستان مورد کاربرد قرار گرفته است. غالباً در داستان از ضمایر مفرد استفاده شده و اول شخص مفرد و سوم شخص مفرد بیش‌ترین کاربرد را دارند. در دیالوگ‌ها هم که بیشتر به شکل سؤال و جواب است ضمیر دوم شخص مفرد کاربرد دارد.

۲-کنش تأثیری

الف.تشبیه

تشبیه از مهمترین ابزارهای تصویرپردازی در متن است، و نویسنده آن را در جهت تقویت و ملموس کردن مضمون روایت به کار میگیرد. در رمان «سمفونی مردگان»، از آرایه تشبیه بهره زیادی گرفته شده و غالباً هم تشبیهات، حسی از اندوه و انفعال را بازتاب میدهند:

- بعد از مرگ آیدا، زندگی ما مثل بهمن بزرگی از برف در دره مرگ فرو می‌گلتید و هیچ کس نمیتوانست یا نمیخواست جلوی آن را بگیرد» (معروفی، ۱۳۸۸: ۲۳)

این تشبیه از غم و اندوه و حوادث بدی حکایت دارد که بعد از مرگ آیدا به سراغ خانواده می‌آید.

- «مغز من صبح تا شب توی کوره پزخانه خشت می‌زند. شب که می‌آید توی اتاق مثل جنازه می‌افتد روی تخت. دمر می‌خوابد و هی فکر میکند» (همان: ۲۷۴)

این تشبیه از ناامیدی آیدین حکایت دارد.

- هر روز با خیالش زندگی کرده بودم و عجیب بود که تا چشمش به من می‌افتاد مثل مجسمه ساکت میماند» (همان: ۲۳۱)

- آیدین روبه‌روش نشسته بود مثل مجسمه سنگی» (همان: ۳۴۷)

- او سالهاست که مرده. هر جا باشد در قهوه‌خانه شورابی یا کنار ساحل شوره‌زار بوی مرگ میدهد. مثل مجسمه خشکی است که در گذشته‌هاش جا مانده است» (همان: ۲۶)

این سه تشبیه از سخن نگفتن آیدین و اینکه تسلیم سرنوشتی تلخ شده سخن میگوید.

در رمان سمفونی مردگان، بیش از هفتاد درصد تشبیهات مربوط به انتقال عواطفی از نوع درماندگی، ترس، تنهایی، غم و ناامیدی، گرایش به فنا و نیستی، خشونت، اضطراب، حرص و طمع است. لذا میتوان نتیجه گرفت که نویسنده از تشبیه به عنوان عاملی برای تقویت ساختار تراژیک اثر بهره برده است (اسدی و حسینی، ۱۳۹۸: ۴۹).

کنایه

از آنجا که رمان «سمفونی مردگانی حال و هوای اعضای یک خانواده در یک فرهنگ معین را روایت میکند لذا کنایه‌ها هم فضای عاطفی بین این اشخاص را بازتاب میدهند و هم زبان عامیانه آن فرهنگ را متبلور میسازند. کنایه در زبان، همواره گویای امری است که نمیتوان آن را صراحتاً بر زبان آورد. لذا کنایه‌ها معمولاً آن خلای را آشکار میکنند که داستان قصد پررنگ کردنش را دارد. خلأ «سمفونی مردگان» همانا عدم درک افراد یک خانواده از نیازهای عاطفی و شخصیتی یکدیگر است که کنایه‌های بکاررفته در داستان نیز همین امر را بازتاب می‌دهند.

- من آدم سنگدلی نیستم (معروفی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)

- پدر گفت: دستم به دامن، چه اتفاقی افتاده؟ (همان: ۹۹)

- آیدین گفت: نانی است که پدرم در سفره‌ام گذاشته (همان: ۲۱۵)

- مگر کسی بویی برده؟ سالها گذشته و هیچ مشکلی پیش نیامده (همان: ۱۰)

- اگر به خاطر حرف مردم نبود یکی دو ماه می‌انداختمش آب خنک بخورد (همان: ۱۵۷)

نماد

چنانکه گفته شد داستان «سمفونی مردگان» داستانی نمادین است. لذا از نمادهای مهمی در آن بهره گرفته شده است که پیوند خاصی با طبیعت دارند. از جمله این نمادها کلاغ، درخت کاج، درخت سرو، درخت سرو، نیزار، دریاچه شورابی، برف و... هستند. برخی نمادهای مکانی همچون شهر اردبیل یا کلیسا و کاروانسرا نیز جایگاه عمده‌ای در بسترسازی رویدادهای داستان دارند.

در آغاز رمان، معروفی آیه ۲۶ سوره مائده را می‌آورد که در آن از ماجرای کشته شدن هابیل توسط قابیل و سپس اینکه قابیل از کلاغ می‌آموزد که چطور جسد برادر را زیر خاک مدفون نماید، سخن گفته شده است. بینامتنیت این آیه بر خواننده آشکار مینماید که تم اصلی داستان برادرکشی، حسادت و پوشاندن خطا از چشم دیگران و ظاهرفریبی است. لذا نماد کلاغ به عنوان علامت نحوست و ترس از نکبت و بدبختی (شوالیه، ۱۴۰۰: ۵۸۴). از سوی دیگر کلاغ نماد خبرچینی است؛ یعنی اگر چیزی را ببیند به همه خبر میدهد و لذا جنایت‌های اورهان هم روزی برملا میشود. با عنوان رمان که «سمفونی مردگان» است ارتباطی تام دارد؛ کلمه سمفونی، قار قار کلاغ و کلمه مردگان همانا پنهان کردن جنازه هابیل را تداعی میکند. در ادامه داستان به کرات از کلاغ به عنوان پیام آور یأس و بدبختی و فلاکت نام برده میشود:

- کلاغ‌ها شهر را فتح کرده بودند، بر هر درختی چند کلاغ (معروفی، ۱۳۸۸: ۱۲)

- فقط از آن همه هیاهو و همه کلاغ‌های کاج مانده‌اند که چاق‌تر و پیرتر روی شاخه‌ها جابه‌جا میشوند و با صدای دریده‌شان می‌گویند: برف. برف (همان: ۱۷)

- آن سال سال کلاغها بود. کلاغهای سیاه خدا ریخته بودند در شهر (همان: ۳۳)

- درخت‌های بی برگ گورستان پر از کلاغ بود (همان: ۳۱۵)

معروفی در مصاحبه‌ای درباره اینکه چرا اردبیل را به عنوان شهر مکان داستان انتخاب کرده میگوید که اردبیل سر ایران است، و به شکل نمادین یعنی مرکز اندیشه و تفکر، و از سوی دیگر همواره اولین برف ایران در این شهر میبارد (https://ensafnews.com/160274). برف و سرما در داستان «سمفونی مردگان» نشان از مرگ و تباهی دارد و شاید سفیدی برف همان سفیدی کفن است:

- آسمان برفی بر زمین جا گذاشته بود که سالها بعد مردم بگویند همان سال سیاه... برف همه را وا گذاشته بود. سکوتی غریب کوچه و خیابان را فرا گرفته بود ... بلا نازل شده بود؟ (معروفی، ۱۳۸۸: ۱۲)

از نمادهای مکانی این داستان کاروانسرا است. کاروانسرا در «سمفونی مردگان» همان بازار اردبیل و در عین حال مرکز توطئه است. وقتی پدر با ایاز مشورت میکند که با آیدین چه کند و در نهایت کتابهایش را میسوزاند:

- پدر گفت: اگر ایاز را نداشتم چی داشتم؟ (همان: ۴۱)

یا وقتی اورهان با ایاز مشورت میکند که چه بلایی بر سر آیدین بیاورد (همان: ۱۰) همه اینها در حجره آجیل فرشی در کاروانسرا اتفاق می افتد. وقتی شعر آیدین با نام «شعر سرخ» را پدر و ایاز در روزنامه میخوانند پدر میگوید:

- چه باید کرد ایاز؟

و او پاسخ میدهد:

- باید جلوش را گرفت (همان: ۱۵۶)

از دیگر نمادهای داستان نجاری است. آیدین بعد از آنکه از خانه پدری می رود به سفارش فروزان در نجاری مردی ارمنی به نام میرزایان مشغول به کار میشود: آقای میرزایان به آیدین پیشنهاد میدهد که در زیرزمین کلیسا کارگاه نجاری کوچکی بسازد: و آیدین میگوید:

- «از چوب خوشم می آید. از کار چوب خوشم می آید» (همان: ۱۹۵)

و در جای دیگر میگوید:

- پیغمبرانی بوده اند که چوپانی می کرده اند پیغمبرانی نجار بوده اند (همان: ۱۹۵)

درختان هم در داستان نقش مهمی دارند و به کرات از آنها نام برده میشود. در برخی موارد کارکرد سمبلیک دارند:

- قبر پدر سمت راست قبرستان زیر سایه یک چنار جوان بود (همان: ۳۴۵)

و درباره قبر آیدا می گوید:

- قبرش را زیر درخت سروی کردند که خلوت تر از جاهای دیگر قبرستان بود (همان: ۲۶۳)

چنار نماد برکت و ثروت (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۹: ۲۶۱) و سرو نماد آزادی و جاودانگی است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۶۰). زیرزمین خانه، زیرزمین کلیسا و قهوه خانه پناهگاه آیدین، و ارمنی ها فریادرس و منجی او میشوند. زیرزمین مکانی است به دور از انسان ها و امر و نهی آنها و قهوه خانه هم نمادی از گذشته ایران است.

سطح تفسیر

سطح تفسیر (بررسی کردار گفتمانی) عبارت است از تفسیر متن بر مبنای آنچه در سطح توصیف بیان شده، با در نظر گرفتن بافت موقعیت و عوامل بینامتنی.

الف. بافت موقعیت

ماجرای داستان «سمفونی مردگان» در بخشی از دوران پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) و بخشی از پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) اتفاق می افتد. در این دوره، رضاشاه پهلوی به قدرت رسید و تلاشهایی برای مدرن سازی و یکپارچه سازی کشور انجام داد. پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین، رضاشاه مجبور به کناره گیری شد و پسرش محمدرضا پهلوی به سلطنت رسید. این دوره شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در ایران بود.

تلاش برای ایجاد دولت مدرن: رضاشاه با انجام اصلاحات اداری، نظامی و آموزشی به دنبال ایجاد یک دولت مرکزی قوی و مدرن بود.

توسعه زیرساختها: احداث راه آهن سراسری، جاده‌ها و بنادر از جمله اقدامات مهم در این دوره بود. تغییرات اجتماعی: اجباری شدن پوشش متحدالشکل (کلاه شاپو و لباس متحدالشکل برای مردان و زنان)، ممنوعیت حجاب برای زنان و تغییر تقویم شمسی از جمله این تغییرات بود. تلاش برای صنعتی‌سازی: ایجاد کارخانجات و صنایع جدید از جمله اقدامات در این راستا بود. دوران محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۳۰):

آغاز جنگ جهانی دوم: اشغال ایران توسط متفقین و خروج رضاشاه از کشور. تشکیل کابینه: تشکیل کابینه‌های مختلف توسط سیاستمداران برجسته مانند قوام السلطنه و مصدق. تلاش برای تثبیت قدرت: محمدرضا پهلوی به دنبال تثبیت قدرت خود و مقابله با چالش‌های سیاسی و اجتماعی بود.

ظهور جنبش‌های سیاسی: شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، از جمله حزب توده و جبهه ملی. نفت و ملی شدن آن: ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ و آغاز بحران سیاسی و اقتصادی در این زمینه (نهادندی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

به طور خلاصه، این دوره شاهد تحولات و رویدادهای مهمی در ایران بود، از جمله شکل‌گیری دولت مدرن، تلاش برای صنعتی‌سازی، تغییرات اجتماعی، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، تشکیل کابینه‌های مختلف و ملی شدن صنعت نفت.

یکی از مهمترین رویدادهای اجتماعی این دوره تقابل سنت و مدرنیته در فرهنگ است. چنانکه در داستان مشاهده میشود آیدین نماینده طبقه جوان و روشنفکر است که در برابر طبقه سنتی قد علم کرده است یعنی تقابل طبقه بازاری (سرمایه دار) با طبقه هنرمند (شاعر)؛ معروفی در مصاحبه‌ای بیان میدارد که اگر طبقه متفکر جامعه‌ای به دست طبقه سرمایه دار آن سرکوب شود حتماً آن جامعه نهایی جز مرگ و تباهی نخواهد داشت (ensafnews.com/160274). چنانکه در این رمان هم میبینیم که اگرچه پدر صدای آیدین را خاموش و رؤیاهای او را بی‌ثمر میکند اما همه افراد خانواده از پدر و مادر تا یوسف و آیدا و اورهان نیز قربانی همان تفکر جزم‌اندیش او میشوند.

در داستان مسأله ملی شدن صنعت نفت با حضور مرد «آبادانی» که شیفته زیبایی آیدا شده مطرح میشود. مرد آبادانی نماینده همان سرمایه‌داری و استعمار است که قصد دارد ایران را چپاول کند. اگرچه جوان ثروتمند آبادانی، با آیدا ازدواج میکند و ظاهراً زندگی خوبی برایش میسازد اما آیدا که در خانواده خود نتوانسته هویتش را پیدا کند و خود را شکوفا سازد دست به خودسوزی می‌زند.

ب. بینامتنیت

یکی از مؤلفه‌های مهم تفسیر در تحلیل گفتمان فرکلاف ریشه یابی متن در متون دیگر است. از جمله متونی که به شکل مستقیم در در رمان «سمفونی مردگان» از آن نقل قول شده قرآن کریم است که در ابتدای رمان ترجمه فارسی آیه ۲۶ سوره مائده آمده است:

«[قابیل] گفت من تو را البته خواهم کشت. [هابیل] گفت مرا گناهی نیست که خدا قربانی پرهیزکاران را خواهد پذیرفت. اگر تو به کشتن من دست برآوری، من هرگز به کشتن تو دست برنیاورم که من از خدای جهانیان می‌ترسم.

میخواهم که گناه کشتن من و گناه مخالفت تو هر دو به تو بازگردد تا اهل جهنم شوی که آن آتش جزای ستمکاران عالم است آنگاه پس از این گفتگو، هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید. آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال گود نماید تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان سازد. [قابیل] با خود گفت وای بر من، آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس برادر را به خاک سپرد و از این کار سخت پشیمان گردید»

در جریان داستان اورهان برادر بزرگتر خود یوسف را که فلج است در گودالی انداخته و رویش خاک میریزد. از دیگر متونی که احتمالاً معروفی از آن بهره گرفته کتاب «اردبیل در گذرگاه تاریخ» است. از آنجا که سه شخصیت سوجی، استاد ناصر دلخون و گالوست میرزایان در این کتاب وجود دارند، و معروفی نیز در رمان خود این افراد را شخصیت پردازی کرده، سوجی همان آیدین است که دیوانه شده، ناصر دلخون استاد آیدین است که از او شاعری را آموخته و گالوست میرزایان ارمنی است که آیدین نزد او میرود و با کمکش نجار میشود.

در عین حال داستان از اسطوره‌های ایران باستان هم تهی نیست: در داستان ماه آفرید بیان میشود که بعد از تقسیم اقلیم فریدون بین پسرانش و حسادت دو برادر به ایرج و کشته شدن وی، فریدون کنیزی به نام ماه آفرید را در کاخ ایرج یافت که از پسرش باردار بود. از ماه آفرید دختری زاده میشود که پس از بالغ شدن، فریدون وی را به پشنگ، برادرزاده‌اش، میدهد و از آنان منوچهر زاده میشود که بسیار به ایرج شبیه است (یشت ها، ۱۳۷۷، ج ۲: فقره ۱۳۱ فروردین یشت). و فردوسی هم در شاهنامه از ماه آفرید به عنوان کنیز محبوب ایرج یاد میکند (فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۵).

اسطوره‌های مذهبی و تاریخی همچون داستان یوسف هم در داستان وجود دارند.

ج. روابط بین گفتمانها

رمان «سمفونی مردگان» از چهار موومان تشکیل شده؛ بخشی از موومان اول را راوی سوم شخص و بخشی را اول شخص که همان اورهان است روایت میکند. اگرچه اورهان شخصیت ضد قهرمان داستان است اما برخلاف انتظار داستان با بیان افکار و دغدغه‌های او که به نوعی دفاع از خودش هم هست آغاز میشود. موومان دوم را راوی دانای کل روایت میکند که طرح کلی داستان و رابط آیدین و اورهان از کودکی تا میانسالی را روایت میکند. موومان سوم اگرچه از زبان سورمه (سورملینا) همسر آیدین بیان میشود اما در حقیقت او در ذهن آیدین است و این آیدین است که راوی واقعی است. در این بخش «سورمه با شیوه تک گویی درونی به دور از دخالت نویسنده و آزادانه ذهنیت خود را برای خواننده روایت میکند» (حسن زاده میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۹).

موومان چهارم را سوجی روایت میکند. سوجی همان آیدین (قهرمان داستان) است که به ظاهر مشاعرش را از دست داده، راوی آن اول شخص است که اوضاع نابسامان آیدین و نابرداری‌های اورهان در حق خانواده را آشکار می‌نماید. موومان پنجم که نامش موومان اول است ادامه همان موومان اول است و ماجرایی اقدام اورهان برای کشتن آیدین را روایت میکند که در نهایت به غرق شدن و مرگ خودش می‌انجامد.

د. نظم گفتمانی

در رمان چند گفتمان وجود دارد: اول گفتمان استبداد پدرسالار که پدر نماینده آن است. دوم گفتمان آزاداندیشی و روشنفکری که به دنبال آزادی و احقاق حقوق خود است که آیدین نماینده است. سوم گفتمان زنانه که حق ابراز نظر ندارد و مجبور به پذیرفتن سلطه مردانه است و نهایی جز مرگ ندارد و نماینده آن مادر خانواده، آیدا و سورملینا و فروزان هستند. گفتمان چهارم گفتمان حذف رقیب بر مبنای خشونت است که اورهان نماینده آن

است و به عنوان بازوی گفتمان استبدادی عمل میکند. گفتمان نظامی از دیگر گفتمان‌های داستان است که در کسوت دوستی و خیرخواهی به حذف گفتمان‌های آزادی‌خواه کمر میبندد.

هـ نقش زبان در پیشبرد رویدادها

نویسنده رمان «سمفونی مردگان» از قابلیت‌های مختلف زبان برای پیشبرد رویدادها و ایصال مضمون روایی بهره میگیرد. از جمله پیامهایی که نویسنده در پی ارائه آنهاست عبارت‌اند از: به تصویر کشیدن فضای خفقان و استبداد، مخالفت با آزاداندیشی و ابراز خود، سرکوب‌کردن گفتمان زنانه، سرکوب‌کردن اقلیتها به طور عام، ایجاد فضای بینافرهنگی.

بکارگیری زبان آمرانه و تنبیهی از جمله فاکتورهای مبین فضای استبداد و سرکوبگر است که در رمان غالباً به شخصیت‌های پدر، ایاز و اورهان تعلق دارد. پدر با همکاری ایاز و اورهان در برابر آزاداندیشی و استقلال‌طلبی آیدین می‌ایستد. شخصیت‌های زن داستان که همگی طرف آیدین هستند و با اهداف او موافقت دارند و از او حمایت میکنند باز هم توسط نیروی مستبد سرکوب میشوند: مادر خانواده همواره از آیدین حمایت کرده و با پدر درباره رفتارهایی که با او دارد مخالفت میکند اما پدر همواره او را ساکت میکند. آیدا که قلو آیدین است با وجودی که در کودکی بسیار بانشاط است اما وقتی کمی بزرگ میشود پدر او را به پستوی آشپزخانه تبعید میکند و بدون آنکه نظری داشته باشد فقط برای فرار از استبداد پدر با مرد آبادانی ازدواج میکند که بعد از چهار سال دست به خودسوزی میزند. آیدین بعد از مرگ او گویی نیمی از وجودش را از دست داده و دچار افسردگی میشود. سورملینا که بعد از ترک خانه پدری همدم و یار آیدین است سرانجام عشق او میشود با هم ازدواج میکنند و از او فرزندی هم به دنیا می‌آورد اما به علت نامعلومی میمیرد وقتی آیدین با اورهان درباره ازدواجش با اورهان صحبت میکند او می‌گوید: تو را چه به دخترهای ارمنی؟ و به برادرش در این باره هم حسادت میکند. فروزان زنی امروزی است که پدر و مادر آیدین از ارتباط او با پسرشان ناراحت‌اند اما همین فروزان است که بعد از رفتن آیدین از خانه پدری برایش نزد آقای میرزایان کار پیدا میکند. زنان، ارمنیها، طبقه روشنفکر و ناتوان جسمی همگی اقلیت‌هایی هستند که توسط گفتمان استبداد مورد خشم و قهر و سرکوب قرار میگیرند. واژگان و جملاتی که شخصیت‌های گفتمان اقلیت به کار میبرند همگی مؤدبانه، سرشار از احساسات و عواطف، احترام به دیگری، و دلسوزی برای هم‌نوع است.

زبان در این رمان ابزاری برای تشخیص دادن به قومیت آذری و ارمنی‌ها است. واژگان و اسامی ترکی و نام بردن از مکانهای مسیحی و نام‌های ارمنی همگی در جهت پررنگ کردن این خرده فرهنگها در جریان روایت هستند. نامهایی که معروفی انتخاب کرده در همین راستا است: جابر به معنای سلطه‌گر، آیدین به معنای نور، آیدا به معنای ماه، و اورهان به معنای چراغ هستند؛ این نامها به خوبی از شخصیت صاحبانشان سخن میگویند، اینکه اورهان معنای چراغ دارد از آن روست که چراغ لزوماً روشن نیست، ممکن است چراغی هیچ وقت روشن نشود، چراغ دو روی روشن و خاموش دارد اما نور همواره تابان است و تفاوت اورهان و آیدین در همین است.

سطح تبیین

سطح تبیین (بررسی کردار اجتماعی) عبارت است از توضیح چرایی تولید متن از میان امکانات مجاز موجود در زبان که با عوامل جامعه شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی، قدرت، قراردادهای دانش فرهنگی و اجتماعی مرتبط است.

در سطح تبیین، گفتمان به عنوان بخشی از فرایند اجتماعی تحلیل میشود. بدین معنا که گفتمان متن مورد نظر در بستر جامعه چگونه ارزیابی میشود. در این مرحله ایدئولوژی متن ارزیابی میشود. فرکلاف از جمله

نئومارکسیست‌هایی است که همچون گرامشی و آلتوسر به رابطه دوسویه ایدئولوژی و جامعه اعتقاد دارد بدین معنا که اگرچه سلطه می‌تواند ایدئولوژی خود را بر جامعه عرضه نماید اما در مقابل جامعه به عنوان نهادی مستقل نیز می‌تواند ایدئولوژی را در خود بازتولید کند.

در رمان سمفونی مردگان، اردبیل نمونه کوچک شده ایران، و هر یک از شخصیت‌ها نمایندگان طیف یا گفتمانی از جامعه ایرانی هستند. اورهان به عنوان پسر کوچک خانواده و وارث تفکرات سنتی پدر نماینده نسل جدید اما قدیم اندیش است. آیدا دختر خانواده، نماینده احساسات جامعه است. پدر نماینده عوام، و فردی متعصب است. بیوه همسایه روبه‌رو یعنی فروزان نماینده زن روشنفکر است. آیدین یا سوجی پسر خانواده، شاعر و روشنفکر نماینده نسل جوان درگیر و قربانی تناقضهای جامعه.

رمان سمفونی مردگان در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ نوشته شده یعنی سالهایی که کمی از التهاب جریان‌های انقلاب اسلامی کاسته شده، جامعه درگیر جنگ است و مسائلی چون روشنفکری اولویت جامعه محسوب نمی‌شوند. از سوی دیگر داستان به وقایع سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ می‌پردازد یعنی سالهای آغازین حکومت رضاخان تا سالهای پایانی آن. در این سالها یکی از مسائلی که در عرصه جامعه خودنمایی میکند آشنایی با فرهنگ غرب و انتقاد از افکار سنتی است. در واقع معرفی قصد دارد با تشریح عوامل فروپاشی خانواده اورخانی، عوامل گسست اجتماعی و نتایج آن را تبیین نماید.

آنچه که در این رمان عامل اصلی فروپاشی خانواده است استبداد پدر خانواده و اصرار او به نشنیدن صداهای دیگر است. او تنها افکار و اعتقادات خود را صحیح میداند و موقع جدا کردن اتاق‌های اورهان و آیدین میگوید:

«همین حالا، بحث هم نکن.»

مادر گفت: چرا؟

پدر گفت: برای اینکه دندان پوسیده را باید کند و انداخت دور تا دندان سالم سالم بماند» (معروفی، ۱۳۸۸: ۳۹)

یکی از اشتباهات پدر که نماینده حکومت مستبد است اعتماد او به نیروی نظامی و به عبارت دیگر ابزار خشونت برای سرکوب افکار است. پدر و بعد او اورهان درباره مشکلاتشان با ایاز پاسبان سخن می‌گویند و او راه‌حلهایی غیرمنطقی و خشن و سرکوبگر مثل آتش‌زدن کتابها، به زندان انداختن و کشتن را ارائه میدهد در حالی که راه حل برطرف کردن اختلافات در هر جامعه، چیزی جز گوش سپردن به صداهای دیگر نیست.

زنان به عنوان نیمی از جامعه در رمان نقش مهمی دارند. آنها اگرچه از سوی مردان سرکوب میشوند اما تلاش میکنند از هر روزه‌ای برای نجات دیگران بهره ببرند و در عین انفعال نقشی فعال دارند:

«مادر با آن نفس‌تنگی‌اش تا آمد خود را به عزیزدردانه‌اش برساند، پدر با شلاق کبودش کرده بود. با سگرمه‌های درهم یکرست رفت جلو پدر، کمر بند را از دستش کشید و داد زد: «تو را سینه‌نه که بچه‌ام را می‌زنی؟» پدر گفت: بچه من هم هست. مادر دیگر حرفی نزد. همانطور که اشک میریخت آیدین را از درخت باز کرد و برد» (همان: ۸۳-۸۴)

آیدا اگرچه در خانه نقش خاصی ندارد و حرف نمیزند اما وقتی خودش را آتش می‌زند آیدین احساس میکند نیمی از وجودش نیست. فروزان و سورملینا هم به آیدین کمک میکنند که زندگی مستقل خود را تشکیل بدهد. معرفی تلاش میکند با دادن این نقش‌ها به زنان این پیام را برساند که زنان ذاتاً یاریگر هستند، آنها بدون توقع و منت به دیگران خوبی میکنند و آنان را به عنوان الگوی موفق در تحکیم روابط انسانی مطرح میکند. لذا جامعه موفق

جامعه‌ای است که زن را به عنوان جنس دوم نبیند بلکه به او اجازه اظهار نظر داده سخنانش را بشنود و نقش سازنده زن را به رسمیت بشناسد.

از دیگر مسائل مطرح شده در رمان، احترام به اقلیتهاست. جامعه اگر می‌خواهد بقای خود را تضمین کند باید به تفاوتها احترام بگذارد؛ اردبیل شهری متعلق به قومیت ترک است و کلیسا که آیدین به آنجا پناه میبرد نماد دین مسیحیت. هر دوی این نمادها در داستان به عنوان نماد مثبت به کار برده شده‌اند. حتی مرد آبادانی که می‌آید و آیدا را با خود میبرد و نیزارهای شورابی که به پرچمهای سازمان ملل تشبیه شده‌اند همگی حاکی از آنند که جامعه آرمانی جامعه‌ای است که همه گفتمان در آن با وجود تفاوتها یاریگر و پذیرای یکدیگر باشند. یکی دیگر از نمادهای مهمی که این هدف را در داستان تقویت میکند برگزیدن عنوان سمفونی برای داستان، و برگزیدن عنوان موومان برای بخشهای مختلف آن است. «سمفونی در موسیقی کلاسیک به قطعه‌ای ارکسترال گفته میشود که از چند بخش مجزا به نام موومان تشکیل شده باشد و موومان اول دارای فرم سونات است. فرم سمفونی درحقیقت همان فرم چهار بخشی یا چهار موومانه است و فرمی‌سازی است و به ندرت در فرم آوازی (مانند موومان چهارم سمفونی نهم بتهوون) ساخته میشود. (ل-وینک، ۱۳۶۶: ۱۲۱). بر اساس این تعریف سمفونی مجموعه‌ای از نواهای سازهای متعدد است که باید در هماهنگی با همدیگر نواخته شوند. اگر یکی از سازها بلندتر از صدای تعیین شده یا خارج از آن نواخته شود این هماهنگی به هم می‌خورد. گفتمانهای مختلف در جامعه نیز همین حالت را دارند و باید بتوانند با یکدیگر همزیستی مناسب را داشته باشند تا جامعه‌ای سالم را بسازند.

شعر و در گستره‌ای وسیعتر، هنر، بازوی انتقادی جامعه هستند. انتقاد از جمله عواملی است که میتواند به اصلاح عیبهای جامعه کمک کند لذا حکومتها نباید با انتقاد برخوردی سلبی داشته باشند بلکه باید آن را با جهت‌دهی دست و عکس‌العمل مناسب به نقطه قوت خود تبدیل کنند. در رمان «سمفونی مردگان» پدر که بازاری است و در سطح اجتماعی همان قدرت اقتصادی به شمار میرود در برابر آیدین که شاعر است و در سطح اجتماعی نماینده فرهنگ انتقادی به شمار میرود قرار میگیرد، و این دو در تقابل با یکدیگر قرار دارند در صورتی که در جامعه سالم این دو باید دوشادوش هم و در راستای هدفی واحد پیش بروند. فرهنگ و نقد فرهنگی نباید قربانی اقتصاد سرمایه‌داری شود و از سویی ابزار تحریم نمیتواند ابزاری درست برای پاسخگویی به منتقدان باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه در تحلیل گفتمان انتقادی اهمیت دارد تحلیل نظم گفتمانی از مجرای زبان است. در رمان «سمفونی مردگان» گفتمان‌هایی به عنوان کلان روایت و گفتمانهایی به عنوان خرده روایت یا اقلیت حضور دارند که همگی بر هم تأثیرگذار و از هم تأثیرپذیرند. کلان روایتها عبارت‌اند از گفتمان استبداد پدرسالارانه، گفتمان نیروی نظامی سرکوبگر، و گفتمان چهل و حسادت و مادی‌گرایی. در مقابل، خرده روایتها عبارت‌اند از گفتمان زنان، گفتمان اقلیتهای قومی، گفتمان اقلیتهای مذهبی و گفتمان روشنفکری. گفتمانهای شکل‌دهنده کلان روایت همواره درصدر سرکوبی و خاموش کردن و حذف گفتمانهای اقلیتی هستند اما از آنجا که رابطه‌ای دوسویه میان این گفتمانهای کلان و خرد وجود دارد، با وجود این سرکوبها، خود نیز حذف میشوند. در این میان زبان به عنوان ابزار تعبیر ایدئولوژی و ارتباط گفتمانها میتواند به شکل مختلف، نوع روابط میان آنها را شکل دهد. فرکلاف در سه ساحت توصیف و تفسیر و تبیین این نقشهای زبانی را رمزگذاری میکند و در رمان «سمفونی مردگان» در سطح توصیف، کوتاهی جملات، زمان پربشی، غالبیت بکارگیری وجهیت امری، جهت‌گیری تشبیهات و نمادها به سمت اندوه و

یأس، گویای سرکوب امید و افکار گفتمانهای اقلیت به دست گفتمانهای کلان هستند. در سطح تفسیر که نظام درونی و ارتباط میان فاعلان گفتمانها بررسی میشود مشخص میشود که فضای زبانی داستان مربوط به برهه تاریخی متزلزل و بی ثباتی است که در آن جامعه ایران دچار بحران هویت و بازیابی خویشتن است. در سطح تبیین که باید کارکرد اجتماعی زبان تبیین شود مشاهده میشود که خانواده اورخانی نمونه کوچک شده جامعه ایران در دوره پهلوی اول و دوم است. پدر که نماینده اقتدار سرکوبگر، اورهان که نماینده طبقه سرمایه دار بی توجه به فرهنگ، و ایاز که نماینده نظامیگری و خشونت هستند هر سه دست به دست یکدیگر داده و در برابر گفتمان روشنفکری که آیدین نماینده آن است می ایستند. آیدین و گفتمان زنانه که سرشار از دلسوزی و یاریگری در این میان تباه میشوند اما پدر خانواده و اورهان هم سرانجامی جز مرگ و تباهی ندارند. جامعه سالم جامعه ای است که به همه گفتمانها شخصیت داده و به جای مفاهیمی چون سرکوب، خشونت و حذف مفاهیم فرهنگ، انتقادپذیری، محبت و یاری دیگران را جایگزین سازد.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میداند مراتب تشکر و قدردانی خود را از دانشگاه فرهنگیان اعلام نماید.

تعارض منافع:

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی خود نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلی موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- The Holy Quran. Translated by Mahdi Elahi Qomshei.
- Aghajani. Hamid; Mansouri. Majid and Karimi. Fatemeh. (2019). Intertextual analysis of Symphony of the Dead and Death of a Salesman; Based on Julia Kristeva's theory, Journal of Comparative Literature Studies, Issue 68, pp. 802-824. [in Persian].
- Amini Shalmazari. Zahra; Rozatian. Seyedeh Maryam and Nasr Esfahani. Mohammadreza. (2019). Critical discourse analysis of power in Khosrow and Shirin Nezami, Journal of Literary Textual Studies, Issue 96, pp. 174-201. [in Persian].
- Asadi. Alireza and Hosseini. Sara. (2019). The function of simile in creating the atmosphere of the novel Symphony of the Dead, Journal of Linguistic and Rhetorical Studies, Year 10, Issue 19, pp. 25-50. [in Persian].
- Baba. (1992). Ardabil at the Crossroads of History, Ardabil: Islamic Azad University. [in Persian].

- Chevaliey, Jan and Gerberan, Alan. (1990). *The Culture of Symbols*, translated by Soudabeh Fazaili, 5th edition, Tehran: Nik Bookstore(Jeyhoon). [in Persian].
- Dastranj, Fatemeh; Hassanbeigi, Ali and Hashemi, Seyyed Mohammad Hassan. (2024). A Study of the Historical Development of the Discourse of War in the Islamic Revolution Based on Norman Fairclough's Model, *Journal of Islamic Revolution Studies*, No. 49, pp. 151-180. [in Persian].
- Fairclough, N. (1995b) ,*Media Discouse*, London: Edward Arnold.
- Fairclough, N. (1996) ,*Language and power*, Longman Group UK Limited. Fairclough, Norman. (2000). *Critical Discourse Analysis*, translated by Fatemeh Shayesteh Piran and others, 1st edition, Tehran: Media Studies and Research Center. [in Persian].
- Ferdowsi, Abolghasem. (1987). *Shahnameh*, First Edition, edited by Jalal Khaleghi Motlagh, under the supervision of Ehsan Yarshater, New York: Iranian Heritage Foundation. [in Persian].
- Foucault. Michel (1991). "Disciplinary Power and Subjection" in: *Human Slavery or Satanic Evil*, edited by Steven Lux, translated by Farhang Rajai, Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [in Persian].
- Habibian, Ezzatollah; Afkhami, Reza; Farsi, Behnam and Ravanshad, Ali Asghar. (2024). Critical discourse analysis of the crystallization of freedom in the poems of Khalilollah Khalili and Ahmad Shoghi based on Fairclough's theory, *Journal of Persistent Literature*, No. 30, pp. 80-107. [in Persian].
- Hassanzadeh Mirali, Abdullah. (2012), *Polyphony in the novel Symphony of the Dead*, *Journal of Literary Criticism and Stylistics Studies*, No. 4, pp. 11-38. [in Persian].
- Hosseini Zakaria, Khadija; Nouhi, Nezhat; Hassanloo, Heydar; Talkhabi. Mehri. (2024). Archetypal Criticism of the Hero's Journey and the Obstacles to His Progress in the Novel *Symphony of the Dead* by Abbas Marouf, *Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*, No. 101, pp. 192-213. [in Persian].
- Jorgensen, Marian and Louise Phillips. (2010), *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, Tehran, Ni. [in Persian].
- L-Winck, Richard. (1997). *How to Listen Well*, translated by Parviz Mansouri, Tehran: Book of Time. [in Persian].
- Malekshahi, Shakiba; Bayat, Hossein and Sarli, Nasergholi. (2024). Jamshid and Prometheus; Analysis and exploration of the myth of Jamshid in Ferdowsi's *Shahnameh* and the myth of Prometheus by Hesiod through Fairclough's critical discourse analysis. *Monthly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)* Year 18, Issue 2, Serial Issue 108, pp. 75-97. [in Persian].
- Marouf, Abbas. (2009). *Symphony of the Dead*, 5th edition, Tehran: Qognoos Publications. [in Persian].

- Mohammadi, Owais and Alaghi, Lachen. (2023). Comparative study of the representation of colonialism in the novels "Al-Sabar" and "Symphony of the Dead", *Journal of Comparative Literature Studies*, Volume 11, Issue 2, pp. 5-28. [in Persian].
- Nahavandi, Houshang. (2013). *Mohammad Reza Pahlavi, the Last Shah*, Tehran: Book Publications. [in Persian].
- Nikfar, Somayeh; Yeghani. Mustafa and Sadr al-Dini. Ardeshtir. (2023). Critical Analysis of the Discourse of Immigration in the Novel "The Hour of Baghdad" by Shahad Al-Rawi Based on Norman Fairclough's Theory, *Journal of Arabic Language and Literature*, No. 34, pp. 43-59. [in Persian].
- Pasban Vatan, Samaneh and Heydari, Fatemeh. (2019). Narrative analysis of Abbas Marouf's "Symphony of the Dead" based on Simpson's theory, *Journal of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature (Dehkhoda)*, No. 54, pp. 51-73. [in Persian].
- Rahimian. Aram. (2023). A Critical Analysis of the Discourse of the Novel *Fallow Field* Based on Fairclough's Approach, *Journal of Sustainable Literature*, No. 29, pp. 116-134. [in Persian].
- Refahi. Samaneh and Iranzadeh, Nematollah. (2024). The function of architectural spaces in the narrative of the novel *Symphony of the Dead*, *Journal of Interdisciplinary Literary Studies*, Year 6, Issue 11, pp. 200-226. [in Persian].
- Sheikhloo. Soheila; Azar, Esmaeil and Rostami Ardestani, Hamidreza. (2021). Analysis of characters, mythological concepts and their types in the novel "Symphony of the Dead", *Journal of Mystical and Mythological Literature*, Issue 65, pp. 249-279. [in Persian].
- Simpson, P. (1993) *Language, Ideology and point of View*, London: Routledg.
- Soltani, Seyyed Ali Asghar. (2005). *Power, Discourse and Language: Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran*, Tehran, NI. [in Persian].
- Yahaghi, Mohammad Jafar. (2007). *Dictionary of Mythology and Fables in Persian Literature*, Tehran: Contemporary Culture Publishing House. [in Persian].
- Yahyazadeh, Baqir and Kazemi, Forough. (2024). Critical Discourse Analysis of Rumi and Sana'i with Fairclough's Approach, *Comparative Literature Studies*, No. 72, pp. 42-58. [in Persian].
- Yasht-ha. (1998). Translated by Ebrahim Pourdavoud, 1st edition, Tehran: Mythology. [in Persian].
- Zabati Jahromi, Ahmad. (2009). *Researches in Understanding Iranian Art*, 1st edition, Tehran: NI Publishing House. [in Persian].

فهرست منافع فارسی

قرآن کریم: ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

بابا. (۱۳۷۱). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*, اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.

سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نی.

شوالیه. ژان و گریبان. آلن. (۱۴۰۰). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، چاپ پنجم، تهران: کتاب‌سرای نیک (جیحون).

ضابطی جهرمی، احمد. (۱۳۸۹). پژوهشهایی در شناخت هنر ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.
فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). شاهنامه، دفتر اول، تصحیح جلال خالقی مطلق، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: بنیاد میراث ایران.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

فوکو. میشل (۱۳۷۰). «قدرت انضباطی و تابعیت» در: فرّ انسانی یا شرّ شیطانی، ویراسته استیون لوکس، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ل-وینک، ریچارد. (۱۳۶۶). چگونه خوب بشنویم، ترجمه پرویز منصوری، تهران: کتاب زمان.
معروفی، عباس. (۱۳۸۸). سمفونی مردگان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ققنوس.
نهادندی، هوشنگ. (۱۳۹۲). محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه، تهران: انتشارات کتاب.
یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
یشت‌ها. (۱۳۷۷). ترجمه ابراهیم پورداوود، چاپ اول، تهران: اساطیر.

یورگنسن، ماریان و لوییز فیلیپس. (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.

مقاله‌ها

اسدی. علیرضا و حسینی. سارا. (۱۳۹۸). کارکرد تشبیه در فضاسازی رمان سمفونی مردگان، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۵-۵۰.

امینی شلمزاری. زهرا؛ روضاتیان. سیده مریم و نصر اصفهانی. محمدرضا. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی قدرت در خسرو و شیرین نظامی، مجله متن‌پژوهی ادبی، شماره ۹۶، صص ۱۷۴-۲۰۱.

آقاجانی. حمید؛ منصوری. مجید و کریمی. فاطمه. (۱۴۰۲). تحلیل بینامتنی سمفونی مردگان و مرگ فروشنده؛ بر اساس نظریه ژولیا کریستوا، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۶۸، صص ۸۰۲-۸۲۴.

پاسبان وطن، سمانه و حیدری، فاطمه. (۱۴۰۱). روایت‌شناسی «سمفونی مردگان» عباس معروفی براساس نظریه سیمپسون، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۵۴، صص ۵۱-۷۳.

حبیبیان، عزت‌الله؛ افخمی، رضا؛ فارسی، بهنام و روان‌شاد، علی‌اصغر. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان انتقادی تبلور آزادی در اشعار خلیل‌الله خلیلی و احمد شوقی بر اساس نظریه فرکلاف، مجله ادبیات پایداری، شماره ۳۰، صص ۸۰-۱۰۷.

حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۳۹۱)، چندصدایی در رمان سمفونی مردگان، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۴، صص ۱۱-۳۸.

حسینی زکریا، خدیجه؛ نوحی، نزهت؛ حسنلو، حیدر؛ تلخابی. مهری. (۱۴۰۳). نقد کهن الگویی سفر قهرمان و موانع تشرف وی در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۱۰۱، صص ۱۹۲-۲۱۳.

دسترنج، فاطمه؛ حسن بیگی، علی و هاشمی، سید محمد حسن. (۱۴۰۳). بررسی تطور تاریخی گفتمان جنگ در انقلاب اسلامی بر اساس الگوی نورمن فرکلاف، مجله پژوهشهای انقلاب اسلامی، شماره ۴۹، صص ۱۵۱-۱۸۰.

رحیمیان. آرام. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی گفتمان رمان لم یزرع بر اساس رویکرد فرکلاف، مجله ادبیات پایداری، شماره ۲۹، صص ۱۱۶-۱۳۴.

رفاهی. سمانه و ایرانزاده، نعمت‌الله. (۱۴۰۳). کارکرد فضاهای معماری در روایت‌پردازی رمان سمفونی مردگان، مجله پژوهشهای بین رشته‌ای ادبی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۰۰-۲۲۶.

شیخلو. سهیلا؛ آذر، اسماعیل و رستمی اردستانی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل شخصیتها، مفاهیم اساطیری و انواع آن در رمان «سمفونی مردگان»، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۶۵، صص ۲۴۹-۲۷۹.

محمدی، اویس و علاقی، لاچن. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی بازنمایی استعمار در رمانهای «الصبار» و «سمفونی مردگان»، مجله پژوهشهای ادبیات تطبیقی، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۵-۲۸.

ملکشاهی، شکیبا؛ بیات، حسین و سارلی، ناصرقلی. (۱۴۰۴). جمشید و پرومته؛ تحلیل و واکاوی اسطوره جمشید در شاهنامه فردوسی و اسطوره پرومتهوس از هسیودوس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. ماهنامه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال ۱۸، شماره ۲، شماره پی در پی ۱۰۸ صص ۷۵-۹۷.

نیک‌فر، سمیه؛ یگانی. مصطفی و صدرالدینی. اردشیر. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی گفتمان مهاجرت در رمان «ساعه بغداد» از شهد الراوی بر پایه نظریه نورمن فرکلاف، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۴، صص ۴۳-۵۹. یحیی‌زاده، باقر و کاظمی، فروغ. (۱۴۰۳). تحلیل گفتمان انتقادی مولانا و سنایی با رویکرد فرکلاف، مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۷۲، صص ۴۲-۵۸.

معرفی نویسنده

مهرنوش منصوری میمنندی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(Email: mehrnoosh.mansoori@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0009-0007-3742-5263](https://orcid.org/0009-0007-3742-5263))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Mehrnoosh Mansoori Maimandi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: mehrnoosh.mansoori@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0009-0007-3742-5263](https://orcid.org/0009-0007-3742-5263))